رویکردی جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان

علی ربانی،* رسول ربانی،** محمد گنجی***

چکیده

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش پیمایشی، از نظر وسعت پهنانگر و از نظر زمانی مقطعی است. جامعهٔ آماری آن کلیهٔ سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان است که در سال ۱۳۸۵، ٤٤١٧٨٢ نفر بوده‌اند و حجم نمونهٔ مقتضی بر اساس فرمول کوکران ۳۸٤ نفر تعیین شده است که به دلیل توزیع بیشتر پرسش‌نامه ۳۹٤ پرسش‌نامه مورد تحلیل قرار گرفته است. پرسش‌نامهٔ طراحی‌شده با روایی سازه‌های مناسب (براساس ضریب آلفای کرونباخ) برحسب نسبت خانوارهای هر منطقه در بین مناطق مختلف شهر اصفهان توزیع شده است.

کاوش در سؤالات و فرضیات پژوهش منجر به نتایجی شد که برخی از آن‌ها به این شرح است: میانگین احساس شادی در دامنهٔ صفر و صد در بین سرپرستان خانوارها ٥٦/۲۳ بود (بعد احساسی ۵۹/۳۷، بعد اجتماعی ۵۵/٤۲ و بعد شناختی ۵۳/۸۸) و از بین متغیرهای زمینه‌ای مورد مطالعه، احساس شادی سرپرستان خانوار برحسب جنس، وضعیت تأهل و شغل متفاوت است. همچنین متغیرهای سرمایهٔ اجتماعی، رضایت از امکانات منطقه‌ای، میزان برخورداری از حقوق شهروندی، میزان منزلت نقشی (کارآمدی اجتماعی، خانوادگی و فردی) و درآمد با احساس شادی سرپرستان دارای همبستگی مستقیم است. به‌طوری‌که مدل به‌دست آمده از متغیرهای مؤثر، براساس رگرسیون چندگانه با روش گام به گام، حدوداً ٤٥ درصد از واریانس احساس شادی در جامعهٔ آماری را تبیین می‌کند. برخورداری از حقوق شهروندی، منزلت نقشی و سرمایهٔ اجتماعی به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بر شادی‌اند.

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

** استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

*** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان m545_g@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۵ **تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۱**

مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰، صص۳۹-۷۳

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

کلیدواژه‌ها: احساس شادی، سرمایهٔ اجتماعی، حقوق شهروندی، رضایتمندی، منزلت نقشی.

مقدمه

باوجود پیشرفت علم و فناوری و مزایای فراوان آن، ورود بی‌رویهٔ دستاوردهای مدرنیته به کشور، استفادهٔ ناکارآمد از محصولات جامعهٔ اطلاعاتی و صنعتی و به‌طورکلی رشد فزایندهٔ شهرنشینی، موج عظیمی از تغییر و تحولات در عرصه‌های مختلف به‌وجود آمده و به نظر می‌رسد در این بین، مناسباتِ اجتماعیِ مبتنی بر عواطف انسانی به‌گونه‌ای ابزاری تعریف شده‌اند. به‌طوری‌که از پیامدهای منفی چنین تغییر و تحولی می‌توان به ظهور و رشد برخی نابه‌سامانی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اشاره کرد. وضعیت‌های نابه‌سامان یکی از عوامل اصلی توقف استعدادها و باروری خرد و اندیشه در جامعه است که می‌تواند روابط فرد با اجتماع را مختل کند، به‌تدریج نیروی انسانی را ضعیف، قوای جسمی و فکری را فرسوده، و زمینه را برای کاهش سلامت روانی و عاطفی انسان‌ها و ظهور انواع فشارهای روحی همانند افسردگی، اضطراب و استرس‌های مزمن و به‌طورکلی هیجانات منفی و ناخوشایند وکاهش هیجانات مثبت وخوشایند مهیاکند. این مقوله از آن جهت حائز اهمیت است که هیجانات و خلقیات مثبت و خوشایند از مهم‌ترین و ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به شمار می‌روند و به دلیل تأثیرات عمده بر سالم‌سازی و به‌سازی جامعه، مدت مدیدی است که ذهن آدمیان را به خود مشغول ساخته‌اند.

یکی از مهم‌ترین هیجانات خوشایند و مثبت احساس شادی است، زیرا احساس شادی فعالیت‌های مفید انسانی را برمی‌انگیزد؛ خلاقیت را تقویت می‌کند؛ روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند، مشارکت سیاسی ـ اجتماعی را رونق می‌بخشد؛ موجبات حفظ سلامتی عاطفی، روانی، جسمی و امیدواری را فراهم می‌کند (آل یاسین، ۱۳۸۰: ۸)؛ احساس امنیت، آرامش و قدرتِ تصمیم‌گیری را در افراد تقویت می‌کند (مایرز، ۲۰۰۰: ٥٦) و احساس نزدیکی به دیگران (علاقه‌مندی)، احساس دوست‌داشتن، احساس اعتماد و کیفیت تعامل با دیگران را موجب می‌شود (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۲۸). پیامدهای این هیجان چنان در جامعه بارز وآشکار است که مزلو، یکی از نظریه‌پردازان مشهور در حوزهٔ روابط انسانی، مؤلفه و شاخصهٔ اصلی انسان‌هایی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

را که در راستای خودشکوفایی، کمال و توانمندی‌های خویش تلاش می‌کنند، احساس شادی آنان می‌داند (طاهریان، ۱۳۸۱: ٤).

طرح مسئله

از آن‌جا که احساس شادی از یک‌سو متأثر از ساختارهای متعدد جامعه و از سوی دیگر تأثیرگذار بر فرآیند توسعه و تعالی جامعه است، در نیمهٔ قرن بیستم به‌عنوان یکی از موضوعات مورد بررسی روان‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مطرح شده و مطالعات فراملیتی نیز برای بررسی آن به انجام رسیده است. به‌طوری‌که براساس پژوهشی در سطح بین‌المللی از سال ۱۹۹۵-۲۰۰۵ سطح احساس شادی در دامنهٔ تغییرات صفر تا ده در ایران برابر ٦، انحراف معیار (نابرابری احساس شادی) آن برابر با ۲/۷ و رتبهٔ ایران در بین ۹۵ کشور مورد مطالعه ۵۱-۵۳ بوده است. همچنین امید به زندگی در ایران ٦۹/٤ سال و انتظار زندگی شاد در سال‌های امید به زندگی ٤۱/٤ سال برآورد شده است که به لحاظ میزان احساس شادی و انتظار زندگی شاد در طول سال‌های امید به زندگی، در مقایسه با برخی کشورها از جمله دانمارک، ایسلند، کانادا، ایرلند، هلند، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، اندونزی، ژاپن، پرتغال و... در حد پایین‌تری قرار دارد و به لحاظ نابرابری احساس شادی در بین آن کشورها رقم بالاتری را به خود اختصاص داده است (یورو انال رانک ریپورت[1]، ۲۰۰٦). قیاس چنین ارقامی این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که با توجه به زمینه‌ها و شرایط ایجاد احساس شادی، چرا ایران و شهروندان ایرانی در مقایسه با برخی کشورها رقم کمتری از احساس شادی را به خود اختصاص داده‌اند؟ بنابراین، لزوم توجه به این پدیده و مطالعهٔ بافت‌های اجتماعی مؤثر بر آن در ایران ضرورت می‌یابد و ازآن‌جا که مطالعهٔ کل جامعه گسترهٔ وسیعی از امکانات، توانایی‌ها و فرصت‌ها را می‌طلبد، به دلیل فقدان این امکانات و همچنین افزایش ژرفای مطالعاتی و پژوهشی در سطح خردتر و به‌ویژه در شهرهایی که به لحاظ اجتماعی دارای ویژگی‌هایی خاص (همانند اصفهان) هستند، ضرورتی ویژه می‌یابد؛ زیرا همچنان‌که برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند، در شهر اصفهان روند توسعه تا حدی نامتوازن و یک‌سویه است و توجه کم به ابعاد اجتماعی توسعه وکمرنگ بودن راهبردهای عدالت توزیعی در جریان رشد اقتصادی و مقولهٔ برابری در فرآیند توسعه موجب

[1] Eur.Nl.Rank Report

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

شده است که در عین ایجاد و بهبود امکانات، ظرفیت‌های اجتماعی به همان اندازه توسعه پیدا نکند و شهر اصفهان به لحاظ دارابودن سرمایهٔ اجتماعی در بین شهرهای استان رتبهٔ آخر را به خود اختصاص دهد (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ٤٠٣-٤٠٥) و میزان بالایی از نابرابری اجتماعی و احساس نابرابری نیز در بین شهروندان به‌وجود آید (هاشمیان‌فر، ۱۳۸٦: ۲۷٦). از سوی دیگر، پژوهشی که به کوشش مرادی در زمینهٔ تحلیل شاخص‌های رسمی کیفیت زندگی در اصفهان به انجام رسیده بیان‌گر مجموعهٔ شرایطی است که در شهر اصفهان در زمینه‌های ایجاد اضطراب‌ها، استرس‌های روانی و به‌طورکلی هیجانات منفی فراهم است، به‌طوری‌که وی نتیجه می‌گیرد که میزان نارضایتی از زندگی در بین خانواده‌ها بالاست و ٥٦ درصد از آن‌ها از زندگی احساس رضایت و آرامش ندارند (مرادی، ۱۳۸۵: ۱۵۷-۱۸۳).

از آن‌جا که یکی از ابعاد شادی خانواده‌ها، رضایت از زندگی است، کاهش معنی‌دار رضایت از زندگی و همچنین سرمایهٔ اجتماعی و افزایش بحران‌های روانی و عاطفی بر سطح شادی خانواده‌ها اثر منفی می‌گذارد. اگرچه آمار رسمی از وضعیت احساس شادی خانواده‌ها در اصفهان در دست نیست، می‌توان استنباط کرد که مجموعهٔ مسائل مطرح‌شده در تحقیقات فوق، به‌عنوان بسترهای ایجاد مشکلات روانی ـ اجتماعی و نگرانی‌ها و مصائب زندگی، بر احساس شادی، اثرات منفی دارند و عوارض جبران‌ناپذیری بر روحیهٔ اجتماعی افراد بر جای می‌گذارند. از سوی دیگر، به دلیل اینکه ممکن است اولین عارضهٔ روانی ـ اجتماعی دامنگیر سرپرستان خانوارها شود و از آن‌جا که نمود احساس شادی و غم سرپرست خانواده در خانه بر احساسات تمامی اعضای خانواده مؤثر است، شناسایی سطح شادی و عوامل اجتماعی موجد و کاهندهٔ آن در بین سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان می‌تواند به شادی خانواده و سپس جامعه منجر شود. بنابراین، پژوهش حاضر، با چنین رویکردی، در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است که شادی سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان به چه میزان است؟ و شادی افراد مورد مطالعه با چه متغیرهای اجتماعی همبسته است؟

پیشینهٔ پژوهش

اولین پژوهش تجربی در مورد [موضوعات مربوط به] احساس شادی در سال ۱۹۱۲ در بین دانش‌آموزان انگلیسی و در یک مدرسهٔ پسرانه انجام شد. به‌طوری‌که این مطالعه بر سطح

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

لذّت[1] دانش‌آموزان متمرکز شده و در سال‌های بعد از آن نیز چند مطالعهٔ دیگر در آمریکا در مورد سطح لذت دانش‌آموزان به انجام رسید. بعد از جنگ جهانی دوم، تعداد پژوهش‌های مربوط به احساس شادی افزایش یافت و در این پژوهش‌ها توجه از سطح لذت به میزان کلی احساس شادی تغییرکرده است. در دههٔ ۱۹۶۰، سازمان‌های نظرسنجی آمریکا پرسشی را دربارهٔ احساس شادی و رضایت از زندگی مطرح کردند و این منجر به تعدادی کار کلاسیک اولیه شد و مطالعات مربوط به موضوع احساس شادی روبه گسترش نهاد (عابدی، ۱۳۸۱: ۸۷). به دلیل محدودیت حجم مقاله و به منظور جمع‌بندی برخی تحقیقات انجام شده در این زمینه، به‌طور خلاصه در جدول زیر به تحقیقات اشاره و سپس توضیحات تکمیلی ارائه می‌شود.

جدول ۱. خلاصهٔ مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در مورد احساس شادی

اندیشمند	سال	مؤلفه‌های به‌کار برده شده مرتبط با احساس شادی
تکاچ ولیوبومیراسکی	۲۰۰۶	همبستگی اجتماعی و عضویت در نهادهای رسمی و غیررسمی، گردش با خانواده و دوستان، کنترل‌های روانی، دستیابی به اهداف، اوقات فراغت فعال و غیرفعال، عمل به دستورات دینی، کوشش بی‌وقفه در جهت احراز مهارت‌های لازم جهت ایجاد شادی
هالر و هادلر	۲۰۰۶	روابط اجتماعی سالم و انبوه، موفقیت‌های شغلی و حرفه‌ای، جهت‌گیری‌ها و مشارکت‌های اجتماعی ـ فرهنگی، شرایط کلان اقتصادی برابر و عادلانه، وضعیت مناسب رفاه، دموکراسی سیاسی
وینهوون	۱۹۹۶	رونق اقتصادی، امنیت، آزادی و احترام در جامعه، عدالت و برابری، فضای فرهنگی مناسب (نرخ باسوادی، استفاده از وسایل فرهنگی مثل روزنامه، تلویزیون و...، اعتقاد به خدا، مذهب و...) فضای اجتماعی مناسب (اعتماد، مشارکت، ارتباطات و...)
چان ولی	۲۰۰۶	شبکه‌ها و حمایت‌های اجتماعی، بستگی‌های اجتماعی، سیستم اشتراکی در واحدهای کاری و کنترل اجتماعی
جان اوت	۲۰۰۵	رویه‌های متناسب و اصولی اقتصادی ـ اجتماعی، تشویق و ترفیع آزادی‌های سیاسی، توانایی زنان در جامعه، قدرت، کارآمدی و اثربخشی دولت‌ها، ثبات سیاسی، کیفیت نظم و نظرات (قوانین)، کنترل انحرافات و فساد، امنیت اجتماعی و...

[1] Hedonic level

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

فرانسیس	۲۰۰۳	تأثیر مثبت گرایش‌های دینی مسیح و یهود بر شادی
رابوت و ساپسفورد	۲۰۰۶	تأثیر منفی تصورات منفی از تغییرات سیاسی ـ اقتصادی بر شادی و تأثیر مثبت سرمایهٔ انسانی (آموزشی استخدام) شرایط مادی، بافت اجتماعی (حمایت، اعتماد، تعهدات اجتماعی)، قدرت انتخاب و کنترل اجتماعی، سلامتی جسمی و روانی، رضایتمندی از امکانات خانوادگی، سلامتی، وضعیت سیاسی و امنیت همسایگی بر شادی
هیلز و آرگایل	۱۹۹۸	تجارب مذهبی، تجارب موسیقایی
جعفری و همکاران	۱۳۸۳	عدم رابطه ویژگی‌های دموگرافیک همانند جنس، وضعیت تأهل، سال ورود، محل زندگی، وضعیت اشتغال و دانشگاه محل تحصیل با شادی و همبستگی شادی با عوامل شناختی و رفتاری همانند بیان احساسات، پرورش شخصیت سالم، دوری از نگرانی، روابط اجتماعی، خود بودن، صمیمیت، پرورش شخصیت اجتماعی، توجه به زمان حال
تقی‌زاده	۱۳۸۵	ماهیت کار، ارتباط با همکاران، حقوق و مزایا، فرصت‌های ارتقا و ترفیع، رضایت شغلی

آن‌چه در مقالهٔ حاضر مطرح است، علاوه بر تأیید بسیاری از متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش‌های دیگر، وارد کردن متغیرهای اجتماعی مؤثر بر احساس شادی است. به‌طوری‌که مفاهیمی چون منزلت نقشی و کارآمدی اجتماعی، خانوادگی و فردی، رضایت از خدمات و امکانات شهری، دسترسی و استفاده از امکانات بهداشتی، فرهنگی، طبیعی، سرمایهٔ اجتماعی، حقوق شهروندی در ابعاد متعدد و... مورد توجه واقع شده است. از طرف دیگر، تحقیقات انجام‌شده در سنجش احساس شادی یا صرفاً به برخی متغیرهای محدود از جمله رضایت از زندگی (حتی در قالب یک سؤال) توجه کرده‌اند، یا اینکه از برخی آزمون‌های استاندارد همچون آزمون فوردایس و آکسفورد در جوامع آماری متعدد و متفاوت استفاده کرده‌اند. اما پژوهش حاضر، پس از توزیع برخی آزمون‌های فوق در جامعهٔ آماری (آزمون آکسفورد) و عدم احراز روایی مناسب در مطالعهٔ مقدماتی، بحثی مبسوط در تعریف و شاخص‌بندی مفهوم شادی و تقسیم آن به ابعاد احساسی، شناختی و اجتماعی ارائه داده و رویکرد تازه‌ای را در این زمینه مطرح کرده است و با استفاده از محتویات آزمون‌های قبلی و همچنین نظریات طرح‌شده

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

در این زمینه به آزمونی دست یازیده که هم دارای اعتبار نظری و صوری است و هم به روایی قابل اطمینانی دست یافته است.

چارچوب نظری

لغت «شاد» در فرهنگ عمید به معنای خشنود، خوشحال، خوش‌وت، بی‌غم، خوش و خرم آمده است (عمید، ۱۳۶۹: ۸۲۸). در زبان انگلیسی، واژهٔ هپی[1] (شاد و خوشحال) به‌عنوان صفت به معنای خوشبخت و خوش‌شانس،[2] خوش‌یمن،[3] خوشایند،[4] رضایت،[5] خشنودی،[6] خوش و باصفا[7] تعبیر می‌شود (لو، ۲۰۰۱: ٤٠٧) و در اصطلاح، تعاریف متعددی از آن واژه ارائه شده است.

داینر و ساه پس از انجام مطالعات متعدد، از جمله بررسی تحلیل‌های ویلسون (۱۹٦۷)، شادی را دارای سه جزء اساسی می‌دانند که عبارت‌اند از:

جزء شناختی، یعنی نوعی تفکر و پردازش اطلاعات که منجر به ارزیابی مثبت افراد از زندگی در قیاس با گذشته یا زندگی دیگران و... و رضایت کلی از زندگی، رضایت از بخش‌های متعدد زندگی (شغل، درآمد و...) می‌شود.

جزء عاطفی و هیجانی، که در حقیقت خلق وخوهای مثبت و خوشایند در افراد را شامل می‌شود. همانند احساس خوشحالی، امید به آینده (امیدواری)، قدرت در کنترل تمامی جنبه‌های زندگی (احساس قدرتمندی)، دلگرم بودن در زندگی، لذت از وضعیت موجود، ارزشمندی زندگی و عشق ورزیدن به آن، راحتی و آرامش ذهنی، زیبادیدن جهان و آن‌چه در آن است، احساس خود بودن و غیرنبودن (احساس افتخار به خود)، خوش‌بینی به وقایع اطراف و... .

[1] happy
[2] Fortunate
[3] Lucy
[4] Pleasure
[5] Contentment
[6] Satisfaction
[7] Pleased

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

جزء اجتماعی بیان‌گر گسترش روابط اجتماعی فرد با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت اجتماعی است (داینر و ساه، ۱۹۹۷: ۱۹۵). این جزء در حقیقت گرایش‌ها و تمایلات مثبت فرد به اجتماع افراد را شامل می‌شود که بخش مهمی از شادکامی فرد را تشکیل می‌دهد، همانند علاقه به انسان‌های دیگر، تأثیرگذاری مثبت بر آن‌ها، بروز صفات مثبت در افراد مثل خنده و خوشرویی و... .

بر اساس مجموعهٔ تعاریف اندیشمندان و مؤلفه‌های مورد توجه آن‌ها می‌توان شادی را ارزیابی مثبت افراد از کلیت زندگی یا بخش‌های متعدد آن (رضایت از کلیت زندگی و بخش‌های آن)، بروز صفات و عواطف خوشایند روانی (خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، لذت، ارزشمندی، راحتی و آرامش ذهنی، خوش‌بینی و...) و ظهور علایق و علایم مثبت اجتماعی در افراد تلقی کرد (ربانی و دیگران، ۱۳۸٦: ٤٨).

رویکردهای شادمانی

اگرچه رویکردهای متعددی در زمینهٔ شادمانی مطرح شده‌اند، به دلیل محدودیت موضوع صرفاً به رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی (اجتماعی) پرداخته می‌شود.

۱. رویکرد روان‌شناسی اجتماعی

از جمله نظریات مهم در این حوزه، نظریهٔ شناختی[1] است. دیدگاه شناختی بر این امر تأکید می‌کند که انسان دستگاه پیچیدهٔ پردازش اخبار است و اقدام ارگانیزم برای نیل به شناخت را نمی‌توان به فرآیند سادهٔ محرک ـ پاسخ تقلیل داد (خداپناهی، ۱۳۷۹: ۱۲۱). آرنولد، از جمله نظریه‌پردازان این حوزه، معتقد است که هیجان، بدون یک ارزیابی شناختی از واقعهٔ محرک، رخ نمی‌دهد، بلکه ارزیابی نخستین فرد از محرک به صورت خوب/ بد، سازوکار شناختی مهمی است که به صورت انگیختگی فیزیولوژیکی و تجربهٔ هیجانی بعدی نمودار می‌شود (ریو، ۱۳۷۸: ۳۱۷). بنابراین، پایهٔ اصلی نظریهٔ وی به این امر بستگی دارد که ارگانیزم چگونه موقعیت‌ها را تعبیر و ارزیابی می‌کند. از این رو، آن‌چه نظریهٔ شناختی می‌خواهد دربارهٔ هیجانات (هیجان شادی) بگوید، مشخص‌کردن این نکته است که چگونه افراد، وقایع زندگی‌شان را ارزیابی می‌کنند و چگونه ارزیابی‌های مختلف موجب هیجانات خاص می‌شود

[1] Cognitive theories

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

(همان: ۳۲۳). همچنین، در حوزهٔ هیجان خاصِ احساس شادی نیز دیدگاه شناختی، به سیاق تفکر پیشین، بر این نکته تأکید می‌کند که «شادی تولید تفکر انسان و بازتاب ادراک وآگاهی از تمایز بین واقعیت زندگی (آن‌گونه که هست) و ایده‌آل‌های فرهنگی ـ اجتماعی (آن‌گونه که باید باشد) است. هرچه تمایز آن دو کمتر باشد، میزان شادی بیشتر است» (وینهوون، ۲۰۰٦: ۱۷).

یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد بررسی در نظریات شناختی، مفهوم مقایسهٔ اجتماعی است. برخی از تحلیل‌گرایان در این زمینه معتقدند که شادی از مقایسهٔ بین برخی معیارها و شرایط حقیقی ناشی می‌شود. فرد ممکن است سطح معینی از کمال را معیار قرار دهد که بر پایهٔ خودپنداری[1] یا تفکرات دیگران از جمله والدین، یا حتی کسانی‌که در قید حیات نیستند، (گروه‌های مرجع فوت شده) ایجاد شده باشد. اگر شرایط واقعی شخص از معیار مورد نظر او یا سطح انتظار[2] او بهتر و مطلوب‌تر باشد، شادی فرد نیز افزایش می‌یابد (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱٤۰).

یکی دیگر از مقولات مورد بررسی در نظریه‌های شناختی، مفهوم اسناد یا «سبک اسناد»[3] است. بر اساس نظریهٔ وینر (۱۹۸٦)، رویدادهای ذهنی نقش واسطه را بین متغیرهای مربوط به تکلیف و رفتار بعدی دارند و افراد نتایج رفتارهای خود را به علل درونی (شخصی)، بیرونی (موقعیتی)، کنترل‌پذیر یا کنترل‌ناپذیر اسناد می‌دهند. هنگامی که موفقیت یا شکست به عوامل درونی نسبت داده شود، غرور ـ شادی یا شرمساری ـ اندوه افزایش می‌یابد و اگر موفقیت یا شکست به عوامل بیرونی نسبت داده شود، غرور ـ شادی یا شرمساری ـ اندوه کاهش می‌یابد (کشاورز: ۱۳۸٤: ۱٤). در توضیح موارد فوق باید افزودکه افراد افسرده همواره خود را سرزنش می‌کنند، خود را مقصر می‌دانند یا علل مشکلات را درونی تلقی می‌کنند و فکر می‌کنند رویدادهای منفی دوباره با روش متفاوتی روی خواهد داد. در درمان اسنادی، بیماران افسرده تشویق می‌شوند که برای هر اتفاق خود را سرزنش نکنند. برخی شواهد نشان می‌دهندکه افراد شاد خود را سرزنش نمی‌کنند، بلکه، برعکس، خود را مسئول مسائل مثبتی می‌دانند که برای آن‌ها روی می‌دهد. به عبارت دیگر، بر این باورند که می‌توانند وقایع متعدد

[1] Self-concept
[2] Aspiration level
[3] Attributional style

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

و مختلف را به کنترل خود دربیاورند. این مقوله همان کنترل درونی[1] است که در حقیقت یک ویژگی شخصیتی است و بر این باور استوار است که هر کسی می‌تواند وقوع اتفاقات را کنترل کند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۸۷). بنابر فرضیات جولیان راتر، به عقیدهٔ افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند رویدادهای مثبت زندگی در نتیجهٔ طرح‌ریزی دقیق و کوشش پی‌گیر خود آن‌ها به‌دست می‌آید. این افراد خود را حاکم بر سرنوشت خویش می‌دانند. آنان خودتنظیمی و مهارت سازگاری مثبت بیشتری دارند و در مقایسه با افرادی که احساس کنترل آن‌ها خارجی و بیرونی است، از سطح عزت نفس و صلاحیت عینی بیشتری برخوردارند و در نتیجه در بین دیگران دارای منزلت بیشتری هستند و کارآمدترند (مرادی، ۱۳۸٤: ٦۱-٦۲). این مضمون، که در قالب نظریهٔ ویژگی پایگاهی نیز بیان می‌شود، با ارائهٔ مفهومی چون منزلت نقشی به تبیین بحث کنترل درونی می‌پردازد و اندیشمندان آن، از جمله هیتر، معتقدند که هر ویژگی (مثلاً کنترل درونی، ثبات هیجانی و ...) که افراد را در گروه‌های مبتنی بر انجام وظیفه (نقش) از یکدیگر متمایز کند، می‌تواند به‌عنوان عاملی در تفکیک پایگاه و منزلت نقشی افراد عمل کند. سپس این دیدگاه می‌افزاید که سلسله‌مراتب پایگاه گروهی (منزلت نقشی) مبتنی بر میزان شایستگی فرد و کارآمدی او شکل می‌گیرد. بر اساس این نظریه، هرچه افراد در منزلت نقشی بالاتری قرار بگیرند (کارآمدی بیشتری به لحاظ اجتماعی، خانوادگی و فردی مبتنی بر توانایی‌های خود) احساسات مثبت چون شادکامی را بیشتر تجربه می‌کنند و بالعکس.

علاوه بر دیدگاه‌های فوق، برخی از نظریات جامعه‌شناختی نیز، که از نظریات روان‌شناسی تأثیر پذیرفته‌اند، وجود دارند که به بُعد شناختی هیجانات توجه ویژه دارند. یکی از مهم‌ترین این نظریات، نظریهٔ کنش متقابل نمادین است. این نظریه، بر روی ظرفیت منحصربه‌فرد انسان بر خلق، دستکاری و تعدیل نمادها در هدایت رفتار خود و دیگران تأکید می‌کند. از این‌رو، عشق، نفرت، خشم، شادی و... کنش‌هایی هستند که هنگام تعریف و تفسیر موقعیت از جانب کنشگران شکل می‌گیرند و انسان‌ها، با توجه به تعریفی که از موقعیت دارند، هیجانات خود را کنترل می‌کنند و بروز می‌دهند. شات، ازجمله نظریه‌پردازان این حوزه، معتقد است که فعل و انفعالات فیزیولوژیک برای تجربهٔ هیجانی لازم‌اند، اما به خودی خود تثبیت‌کنندهٔ آن‌ها نیستند؛ زیرا این تعاریف و تفاسیر کنشگر است که به فعل و انفعالات فیزیولوژیک اهمیت هیجانی

[1] Internal control

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

می‌دهد. همچنین آرلی هوقشیلد معتقد است که نامناسب بودن یک هیجان را با مقایسهٔ آن با موقعیت ارزیابی می‌کنیم و نه با بررسی هیجان در عالم انتزاع و در نظریهٔ ترنر نیز هیجان‌ها از طریق ارزیابی میزان (شدت) هم‌خوانی یا ناهم‌خوانی بین چیزی که فرد انتظار دارد و چیزی که وی تجربه می‌کند برانگیخته می‌شوند (کیانپور، ۱۳۸۵: ٥٦).

۲. رویکردهای جامعه‌شناختی (اجتماعی)

آن‌چه بیش از همه ذهن نظریه‌پردازان این حوزه را به خود مشغول کرده، تأثیر ساختارهای اجتماعی بر بروز هیجانات است. ساخت عبارت است از: نحوهٔ رده‌بندی و جای‌یابی هریک از عناصر، اشیا یا نیروهایی که کلیت خاصی را شکل می‌دهند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۸٥٤). ماکس هالر و مارکز هادلر در بحث تأثیر ساختارها بر هیجانات، و به‌طور خاص شادی، چهار حوزهٔ مرتبط با هم را از یکدیگر متمایز می‌نمایند. آن چهار حوزه عبارت‌اند از:

- شبکه‌ها و روابط اساسی (پایه‌ای) شخصی (بافت اجتماعی خرد)
- همبستگی‌ها و وابستگی‌های اجتماعی ـ فرهنگی و نوع‌دوستی (بافت اجتماعی خرد)
- مشارکت‌ها و موفقیت‌های شغلی و وضعیت پایگاه اجتماعی (بافت اجتماعی خرد)
- بافت نهادی و کلان اجتماعی ـ سیاسی (بافت اجتماعی کلان) (هالر و هالدر، ۲۰۰٦: ۱۷۸).

در واقع، آن‌چه هالر و هادلر در بافت اجتماعی خرد بر آن‌ها تأکید می‌کنند، شامل پیوندها و تعاملات اجتماعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وابستگی‌ها و تعلق‌های اجتماعی، نوع‌دوستی و به‌طورکلی سرمایهٔ اجتماعی اشخاص است؛ و آن‌چه آن را بافت اجتماعی کلان می‌دانند، شامل نهادهایی است که وظایف ایفای نقش‌های توزیع خدمات و سرویس‌های رفاهی در جامعه، اعطای آزادی و دموکراسی سیاسی و مهیا نمودن شرایط لازم جهت دستیابی افراد به حقوق اجتماعی ـ سیاسی، یا به‌طورکلی، احقاق حقوق شهروندی را به عهده دارند که هرکدام به‌نوعی در بروز و ظهور هیجانات خاص، به‌ویژه احساس شادی، نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

در تأیید مدعای هادلر و هالر، بل بام و بارهیر در مطالعات خود نشان دادند که روابط صمیمانه و خوب با دیگر مردم، همسر، والدین، فرزندان، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و همکاران از منابع اصلی رضایت از زندگی و شادی است (هالر و هادلر، ۲۰۰٦: ۱۷۹). از سوی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

دیگر، هیوم نیز بر این مدعاست که کسب شادی هدفی بنیادین است که فقط از طریق ارتباط با دیگر مردم قابل دستیابی است و دورکیم نیز، با تأکید بر نقش روابط و همبستگی اجتماعی در کاهش معضلات و مسائل اجتماعی، بر این امر تأکید می‌کند که آن روابط، دست‌کم از دو طریق حاصل می‌شوند: الف) عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها و مؤسسات و ب) عضویت در یک مجمع مذهبی یا مشارکت‌های مذهبی. سپس، به نحوهٔ اثرگذاری آن روابط بر پدیدهٔ احساس شادی می‌پردازد و اضافه می‌کند که آن دو نوع رابطه به دو دلیل شادی را افزایش می‌دهند: ابتدا عضویت نظمی اجتماعی ایجاد می‌کند، به‌طوری که از آن طریق، فردگرایی مفرط و آنومی کنترل می‌شود و دوم اینکه ترکیبی متعالی ـ معنوی ایجاد می‌شود که از آن طریق، تجمع نیروهای اعتقادی و عملی (اجرایی) انسان‌ها، به احساسی جمعی[1] برای فهم جنبه‌های مختلف زندگی مبدل می‌شود (همان، ۱۷۹–۱۸۰). علاوه بر دورکیم، اندیشمندانی چون پولنر، مایرز، آرگایل و هیلز، هایی، کالدور، برواح و وینهوون و کالمیجن نیز هرکدام بر تأثیر روابط اجتماعی و مشارکت‌های مذهبی ـ اجتماعی در افزایش شادی تأکید کرده‌اند، تا جایی که وینهوون و کالمیجن، ورود انسان‌ها به انجمن‌ها را اصل دانسته و معتقدند هرچه ورود انسان‌ها به انجمن‌ها (تحمل دیگران، اعتماد به مردم و فعالیت‌های داوطلبانه) بیشتر شود، مردم زندگی شادتری خواهند داشت (وینهوون و کالمیجن، ۲۰۰۵: ٤٣٦).

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، علاوه بر بافت اجتماعی خرد، بافت اجتماعی ـ سیاسی کلان نیز، که مشتمل بر مجموعه نهادهایی است که به احقاق حقوق شهروندان در جامعه می‌پردازند، عاملی مؤثر در ایجاد و حفظ احساس شادی اعضای جامعه به‌شمار می‌رود. بر اساس مطالعات انجام شده، هرچه شرایط اجتماعی ـ اقتصادی در جامعه مساعدتر و منجر به ارضای نیازهای بیشتر شود، شادی افراد جامعه نیز بیشتر خواهد شد (شینز، ۱۹۹۸: ٤). در این جهت، نظریهٔ نیاز[2] که مزلو مطرح کرده نیز بر این نکته تأکید می‌کند که تفاوت جوامع در احساس شادی را می‌توان به‌وسیلهٔ منابعی توضیح داد که آن جوامع برای برآورده شدن نیازهای اساسی شهروندان خود هزینه می‌کنند. جوامعی با بالاترین منابع، اغلب جوامعی غنی و توانگرند (داینر و لوکاس، ۲۰۰۰: ٤٣). به‌ویژه اینکه منابع لازم را جهت ارضای نیازهای سطح بالا که آرامش

[1] Common sense
[2] Needs

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

و توانگری مضاعفی به شخص ارائه می‌دهند مهیا می‌کنند (شینز، ۱۹۹۸: ۹). بنابراین، شرایط محیطی بهتر (خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و...) همه لازم‌اند تا انسان‌ها به هم عشق بورزند و احساس شادی کنند. در توضیح این مطلب، داینر و لوکاس نیز گزارش می‌دهند که جوامع غنی و توانگر، طول عمر بیشتری را در جهت برآورده ساختن نیازهایشان در اختیار شهروندان قرار می‌دهند، بهتر آموزش می‌بینند، حقوق مدنی بیشتری را رعایت می‌کنند، زیربنا و شالودهٔ علمی قوی‌تری را ایجاد می‌کنند و در نتیجه جوامعی شادترند (داینر و لوکاس، ۲۰۰۰: ٤٣).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین وظایف نهادهای کلان در کشور این است که، قطع نظر از جنسیت، سن، وضعیت استخدامی، سلامتی و...، استانداردهای لازم را برای همهٔ اعضای جامعه مهیا کنند تا از این طریق، زمینهٔ لازم برای رضایت و شادمانی را موجب شوند (هالر و هادلر، ۲۰۰٦: ۱۸۲). این نهادها، علاوه بر ایجاد مصاحبت‌ها و همیاری‌های اجتماعی که عاملی مؤثر در بروز آرامش هیجانی و کاهش افسردگی است (چان و لی، ۲۰۰٦: ۹۰)، بر اساس نظر مارتین، بایستی با «خلق سازوکارهای تنظیمی و تعدیلی، ایجاد رضایتمندی در افراد جامعه و کاهش نابرابری در استفاده از امکانات رفاهی و کاهش فاصلهٔ طبقهٔ ثروتمند و فقیر، موجبات افزایش سطح شادی را در جامعه فراهم نمایند» (برگزما، ۲۰۰٦: ۱۱۵) و از این رو است که وینهوون و کالمیجن بر عدالت در ایجاد احساس شادی تأکید کرده و معتقدند «هرچه عدالت (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) در جامعه نمود بیشتری یابد، میزان شادی و توزیع آن بین مردم نیز منصفانه‌تر و بهتر خواهد بود» (وینهوون و کالمیجن، ۲۰۰۵: ٤۳۵). بنابراین، با توجه به مطالب فوق و همچنین پژوهش‌های آلسینا، دیتلا و مک‌کلوچ که نابرابری را موجب کاهش شادی در جامعه قلمداد می‌کنند (گراهام و فلتون، ۲۰۰٦: ۱۰۸)، اگر شادی معلول (پیامد عوامل متعدد) فرض شود، به نظر می‌رسد تا حد زیادی متأثر از نابرابری در امکانات و منابع طبیعی یا نابرابری در دستیابی به منابع کمیاب اجتماعی ـ فرهنگی همانند: شغل، درآمد، قدرت، پرستیژ، کارآمدی (مهارت) و... است.

از سوی دیگر، تچ و لوبومیرسکی معتقدندکه علت تفاوت شادی افراد و جوامع، صرفاً در مسائل اقتصادی نیست، بلکه فاکتورهایی مدنی، سیاسی، اجتماعی چون: «میزان آزادی‌های اجتماعی در دستیابی به حقوق سیاسی و مدنی‌شان یا فرصت انتخاب وسایل مورد نظر برای

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

دستیابی به اهداف خود نیز نقش عمده‌ای در تبیین شادمانی افراد جامعه دارد» (تچ و لوبومیرسکی، ۲۰۰٦: ٤)، همچنان‌که این مقوله در فلسفهٔ یونان باستان (اخلاقیات ارسطو) نیز پیش‌شرطی برای دستیابی به شادی بود و ارتباط تنگاتنگی با سلامتی و سطح عمومی رفاه و شکوفایی داشت (هالر و هادلر، ۲۰۰٦: ۱۸۲). البته همین اعتقاد در نظریات جامعه‌شناسان کلاسیک و جدید نیز ریشه دوانیده و از این‌رو است که اگوست کنت بر این نکته تأکید می‌کند که آزادی احساس شادی را افزایش می‌دهد. وی، در تبیین آزادی، آن را به فرصت‌های انتخاب[1] تعبیر می‌کند و معتقد است که زمانی آزادی در انتخاب فرصت‌ها در جامعه وجود دارد که ظرفیت‌ها و سازوکارهای انتخاب در آن جامعه توسعه یابد (گلیتزر، ۲۰۰۰: ٥۰٤). در تأکید بر مطالب فوق، در سال ۲۰۰۰ نیز، وینهوون دربارهٔ رابطهٔ بین آزادی و شادی اذعان می‌داردکه بین آزادی و شادی رابطه وجود دارد، اما این رابطه در جوامعی است که به لحاظ اقتصادی توسعه یافته‌اند و در شرایط فقر این رابطه به چشم نمی‌خورد (گلیتزر، ۲۰۰۰: ٥۰٤).

بر اساس مباحث فوق، آن‌چه هالر و هادلر و سایر اندیشمندان حوزهٔ شبکه‌ها و روابط اساسی شخصی و همچنین حوزهٔ همبستگی‌ها و پیوستگی‌های اجتماعی بر آن تأکید می‌کنند، شامل نوع‌دوستی، پیوندها و تعاملات شخص با اشخاص دیگر، همچنین تعاملات اجتماعی گسترده‌تر و انواع مشارکت‌های رسمی و غیررسمی، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، وابستگی‌ها و تعلق‌های اجتماعی و ... است که برخی از اندیشمندان مجموعهٔ آن صفات را در مفهومی به نام «سرمایهٔ اجتماعی» خلاصه می‌کنند. در توضیح مطالب قبل، باید افزودکه سرمایهٔ اجتماعی از نظر روس به نحوهٔ شبکهٔ روابط و تعاملات اجتماعی، دوستی‌ها، نوع‌دوستی‌ها، احساس کنترل و اعتماد اجتماعی و... اطلاق می‌شود و، به گفتهٔ پاتنام، شامل ارتباطاتی است که بین مردم وجود دارد و زندگی آن‌ها را از نظر روابط اجتماعی غنی می‌سازد (جعفری، ۱۳۸۳ :۱٤). در سطح کلان نیز ایجاد بسترهای اجتماعی ـ سیاسی در جامعه می‌تواند در قالب احقاق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی متبلور شود و آن‌چه که هالر و هادلر و سایر اندیشمندان، ساختار نهادی و کلان جامعه نام‌گذاری می‌کنند، شامل نهادهایی است که در اثر فرایند توسعه، وظایف ایفای نقش‌های توزیع خدمات و سرویس‌های رفاهی در جامعه، احقاق

[1] Opportunity to choose

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

حقوق متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهروندان از جمله آزادی، امنیت و احساس امنیت، عدم تبعیض، تأمین اجتماعی، برخورد مبتنی بر کرامت انسانی، حق مشارکت و... و ایجاد بسترها و شرایط لازم، جهت دستیابی شهروندان به آن حقوق در سایهٔ عدالت و برابری است که به نظر می‌رسد بتوان کلیهٔ آن مؤلفه‌ها و شاخص‌ها را در قالب بحث «حقوق شهروندی» مورد مطالعه قرار داد. حقوقی که موجب ارتقای سطح زندگی، کیفیت زندگی و به تبع آن شادی شهروندان خواهد شد. بنابراین، شاید بتوان گفت که در کل، بر اساس نظریات موجود در بخش رویکردهای اجتماعی «سرمایهٔ اجتماعی و احقاق حقوق شهروندی» از عوامل مهم و مؤثر بر بروز هیجان‌ها، به‌ویژه هیجان شادی، است.

بر اساس مجموعهٔ مباحث فوق و به‌ویژه نظریات هیتر و هالر و هادلر، برخی فرضیات که می‌توان استنباط کرد عبارت‌اند از:

هرچه شخص احساس کند منزلت نقشی (کارآمدی اجتماعی، خانوادگی و فردی) او بالاتر است، شادی او نیز بیشتر می‌شود.

هرچه سرمایهٔ اجتماعی سرپرستان خانوار افزایش یابد، احساس شادی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود.

هرچه میزان برخورداری شهروندان از حقوق شهروندی بیشتر باشد، میزان شادی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود.

هرچه میزان رضایت از امکانات و خدمات منطقه‌ای بیشتر شود، احساس شادی سرپرستان خانوار نیز بیشتر می‌شود.

هرچه میزان استفادهٔ سرپرستان خانوار از امکانات فرهنگی، بهداشتی و طبیعی افزایش یابد، احساس شادی آن‌ها هم افزایش می‌یابد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش پیمایشی است. از نظر هدف، کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر (شهر اصفهان) و از نظر زمانی مقطعی است. به‌طوری‌که روش گردآوری داده‌ها نیز به صورت پرسش‌نامه‌ای بوده و در آن برای اندازه‌گیری متغیرها از سؤال و برای اندازه‌گیری سازه‌ها از تکنیک طیف لیکرت استفاده شده است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

کلیهٔ سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان است که در سال ۱۳۸۵، تعداد آن‌ها ٤٤۱۷۸۲ خانوار اعلام شده است. به‌طوری‌که تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران با دقت برآورد ۰۵٪= دی و حداکثر واریانس ۲۵٪=پی‌کیو و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸٤ سرپرست خانوار تعیین شده که به دلیل توزیع بیشتر پرسش‌نامه از طریق روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای بین سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان، ۳۹٤ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تعداد حجم نمونه بر اساس تعداد و درصد سرپرست در هریک از مناطق یازده‌گانه محاسبه و تعداد پرسش‌نامهٔ مقتضی برحسب درصد سرپرست خانوار و با تقسیم هر منطقه به قسمت‌های شمالی، جنوبی، غربی، شرقی و مرکزی و تعیین خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف، بین سرپرستان توزیع شده است. تعداد حجم نمونه در هر منطقه به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. جامعهٔ آماری و حجم نمونه به تفکیک مناطق یازده‌گانه

منطقه	تعداد سرپرست	حجم نمونه	تعداد پرسش‌نامه	منطقه	تعداد سرپرست	حجم نمونه	تعداد پرسش‌نامه
۱	۲۲٤٦۳	۲۰	۲۰	۷	۷۰۸٦۰	٦۲	٦۰
۲	۱۵۱۷۷	۱۳	۱٤	۸	۸۱۸۹٦	۷۱	۷٤
۳	۳۳۱۰۷	۲۹	۲۹	۹	۱۹۵۹۰	۱۷	۱۸
٤	۳۲۰۸۷	۲۸	۳۰	۱۰	۵۱۸٤۲	٤٤	٤٦
۵	٦۸۷۱۷	٦۰	٦۳	۱۱	۱٤۷۹۲	۱۳	۱۳
٦	۳۱۲۵۱	۲۷	۲۷	جمع	٤٤۱۷۸۲	۳۸٤	۳۹٤

همچنین تعیین اعتبار[1] از یکسو بر اساس اعتبار سازه (تطابق نظریه و نتایج تحقیق) و ارتباط مباحث نظری و نتایج سنجیده شده و از طرف دیگر بر مبنای اعتبار صوری ارزیابی گردیده است. به این معنی که پرسش‌نامهٔ تنظیم‌شده و ابعاد و شاخص‌های مورد توجه در اختیار ۱۵ نفر از محققان در این حیطه قرارگرفته و دیدگاه‌های آن‌ها در این زمینه اعمال شده است. میزان روایی سازه‌های متعدد پژوهش بر اساس آلفای کرونباخ در جدول ۳ آمده است که به نظر می‌رسد همهٔ سازه‌های مورد مطالعه درحد مطلوبی دارای روایی‌اند.

[1] Validity

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

جدول ۳. ضریب آلفای کرونباخ

سازه‌ها و ابعاد	تعداد گویه	میزان آلفا
سرمایهٔ اجتماعی	۱۸	٪۸۱
حقوق شهروندی	۱۲	٪۷۰
منزلت نقشی (کارآمدی اجتماعی، خانوادگی و فردی)	۵	٪۷۵
استفاده از امکانات فرهنگی، اجتماعی و...	۱۰	٪۸۰
رضایتمندی منطقه‌ای	٤	٪۸۵
شادی (کل ابعاد)	۲۷	٪۸۲

تعاریف عملیاتی و نحوهٔ سنجش مفاهیم

۱ـ احساس شادی

برای اندازه‌گیری شادی شیوه‌های گوناگونی به کار برده شده است. در اولین پژوهش‌ها برای سنجش آن، پرسش مستقیمِ چقدر شاد هستید، به کار می‌رفت. این پرسش دارای سه گزینهٔ «خیلی شاد، تا حدی شاد و ناشاد» بود. گورین، وروف و فلد (۱۹٦۰) و برادبورن و کپلوویتز (۱۹٦۵) و بسیاری از بررسی‌های انجام شده برای اندازه‌گیری شادی از همین روش بهره گرفته‌اند. برای سنجش شادی ابزارهای دیگری از جمله مقیاس تعادل عاطفی (برادبورن، ۱۹٦۹)، شاخص عاطفهٔ عمومی (کمپل، کانورس و راجرز، ۱۹۷٦)، پرسش‌نامهٔ سلامت ذهنی (نگپال و سل، ۱۹۸۵) و پرسش‌نامهٔ بررسی خلق (آندرروود و فرومیتینگ[1]، ۱۹۸۰) نیز به کار برده شده‌اند. یکی دیگر از مهم‌ترین مقیاس‌هایی که برای اندازه‌گیری شادی ساخته شده، پرسش‌نامهٔ آکسفورد[2] است. پایهٔ نظری این پرسش‌نامه، تعریف آرگایل و کروسلند (۱۹۸۷) از شادی بود. فرم نهایی پرسش‌نامه با ۲۹ پرسش چهارگزینه‌ای آماده شده که در هر پرسش فرد دربارهٔ خود از احساس ناشادی تا احساس شادی بسیار زیاد قضاوت می‌کند. در ایران، پرسش‌نامهٔ آکسفورد را محققانی به کارگرفته‌اند. در پژوهش حاضر، در اولین آزمون مقدماتی، در قالب پرسش‌نامه‌ای، پرسش‌های آکسفورد در مورد شادی و همچنین پرسش‌های مرتبط با سایر متغیرها، در بین ۳۵ نفر از سرپرستان خانوار شهر اصفهان در روزهای تعطیل هفته

[1] Underwood & Fromiting
[2] Oxford Happiness Inventory

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

توزیع شد، اگرچه بسیاری از مقیاس‌های مورد بررسی همانند سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ فرهنگی، دین‌داری و... پایایی لازم را احراز نمودند، پرسش‌های ۲۹گانهٔ آکسفورد روایی لازم را کسب نکرد. با مراجعه به پرسش‌نامه‌ها مشخص شد، با اینکه این پرسش‌ها در صفحهٔ دوم و سوم پرسش‌نامه قرارگرفته بودند، بسیاری از سرپرستان خانوار از پاسخ به تمامی سؤالات آن خودداری کرده بودند (به نظر می‌رسید عوامل عمدهٔ عدم پاسخ‌گویی سرپرستان به پرسش‌نامهٔ آکسفورد به دلیل حجم زیاد ـ دو صفحه ـ و طرح سؤال به صورت چهارجمله‌ای و نه یک جمله با مقیاس لیکرت و همچنین نزدیکی سؤالات به یکدیگر به لحاظ محتوایی بوده است). برای رفع چنین نقیصه‌ای، مطالعات عمده درخصوص تعریف شادی و تعیین اجزا و مؤلفه‌های آن با تأمل بیشتری بازبینی و دنبال شد و پس از ارائهٔ تعریف موردنظر، شادی به سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی تقسیم و برای هریک از شاخص‌ها، گویه‌های خاصی با قالب لیکرت تنظیم شد. به دلیل اینکه تعریف پژوهش حاضر از شادی متأثر از نظریات متعددی، از جمله آرگایل است، از پرسش‌نامهٔ آکسفورد نیز به‌ویژه در بعد احساس شادی، اما با قالبی جداگانه (لیکرت) استفاده شد. پرسش‌نامهٔ دوم نیز در بین سرپرستان خانوار شهر اصفهان توزیع شد و به نوعی تمامی متغیرهای مورد مطالعه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی یا روایی لازم را به دست آوردند. بنابراین، در پژوهش حاضر احساس شادی متشکل از سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی است و برآن اساس گویه‌های سنجش شادی عبارت‌اند از:

الف) بعد احساسی شامل:

(احساس خوشحالی، احساس امیدواری به آینده، احساس کنترل بر تمام جنبه‌های زندگی، احساس سرشاربودن زندگی از دلگرمی، احساس لذت در وضعیتی که شخص درآن قرارگرفته، احساس عشق به زندگی، احساس راحتی هنگام بیدارشدن از خواب، احساس زیبادیدن جهان و هرچه درآن است، احساس افتخار به خود، احساس خوشبینی و مثبت‌نگری).

ب) بعد شناختی شامل:

ب ـ۱ـ رضایت کلی از زندگی (احساس رضایت در هنگام قیاس وضعیت موجود با پنج سال گذشته، احساس رضایت در هنگام قیاس وضعیت موجود با انتظارات ایده‌آل، احساس رضایت در هنگام قیاس وضعیت موجود با انسان‌های هم‌ردیف درگذشته).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

ب ـ۲ـ رضایت از بخش‌های متعدد زندگی (رضایت از شغلتان (در صورت شاغل بودن)، رضایت از درآمد شغلی خود (در صورت شاغل بودن)، رضایت از رسیدن به اهداف، رضایت از میزان و کیفیت تغذیهٔ خود و خانواده‌تان، رضایت از وضعیت مسکن، رضایت از همسر (در صورت متأهل بودن).

ج) بعد اجتماعی شامل:

علاقه‌داشتن به انسان‌های دیگر و دوست‌داشتن آن‌ها، تأثیر خوب و مثبت بر وقایع اطراف و انسان‌های دوروبر، شوخ‌طبعی، خنده‌رو یا متبسم‌بودن، عصبی نبودن در ارتباطات اجتماعی، شرکت‌کردن در میهمانی‌ها و جشن‌ها.

۲ـ سرمایهٔ اجتماعی

سرمایهٔ اجتماعی مجموعهٔ معینی از هنجارها و ارزش‌های رسمی و غیررسمی است که موجب تقویت اعتماد، صداقت، پیوند، احترام متقابل، وفاق و انسجام اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین اعضای جامعه است. به منظور سنجش سرمایهٔ اجتماعی برخی بر این باورندکه به دلیل کیفی بودن سرمایهٔ اجتماعی سنجش آن بسیار دشوار است و از طریق تعیین میزان جنایات، فروپاشی خانواده، میزان طلاق، اعتیاد، خودکشی، طرح دعاوی و دادخواهی، فرار از پرداخت مالیات، کودک‌آزاری و غیره اندازه‌گیری می‌شود (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۹). برخی دیگر معتقدند که مفهوم کلیدی سرمایهٔ اجتماعی اعتماد است. به همین دلیل، میزان اعتماد و نیز میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های مدنی و انجمن‌های داوطلبانه مهم‌ترین شاخص‌های سنجش سرمایهٔ اجتماعی‌اند. در پژوهش دیگری که دربارهٔ سرمایهٔ اجتماعی و سلامت در سال ۲۰۰۰ میلادی در کشور انگلستان صورت گرفت، در مقیاس فردی معرف‌های زیر به‌عنوان مقیاس‌های سرمایهٔ اجتماعی مطرح شدند:

۱ـ ارتباطات و پیوندهای افراد با دوستان

۲ـ پیوندها و روابط مستحکم خانوادگی

پولن و وانیکس نیز در پژوهشی دیگر که در پنج بخش استرالیا در سال ۱۹۹۸ انجام دادند، هشت عنصر را به‌عنوان معرف‌های سرمایهٔ اجتماعی مطرح کردند، آن عناصر عبارت‌اند از: مشارکت در اجتماع محلی، داشتن فعالیت‌های مؤثر در موقعیت‌های مختلف اجتماعی،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، روابط دولت ـ ملت و پیوندهای خانوادگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بها دادن به زندگی، پیوندهای کاری (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱٤۸).

از تلفیق دیدگاه‌ها، تعاریف و مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی از سوی اندیشمندان و همچنین پژوهشگرانی چون فاتحی (۱۳۸۳)، اسماعیلی (۱۳۸۵) و هاشمیان‌فر (۱۳۸٦) ابعاد و مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی را می‌توان بر اساس عناصر زیر تعیین کرد.

الف: پیوندها و تعاملات اجتماعی، روابط بین شخصی و روابط فراشخصی همانند مشارکت، رفت وآمد با اعضای خانوادهٔ خودتان (پدر، مادر، برادران و خواهران)، با اعضای خانوادهٔ همسرتان (پدر، مادر، برادر و خواهر همسر)، با خویشاوندان (درجهٔ دوم، سوم و...)، با دوستان، همسایگان، میزان شرکت در فعالیت‌های مذهبی (همانند مراسم مذهبی، فعالیت و برنامه‌ریزی در امور مساجد و...)، میزان پرداختن به امور خیریه و عام‌المنفعه به صورت رسمی و غیررسمی، میزان مشارکت در جلسات محلی و همکاری با دوستان، همسایگان و... در انجام خدمات عمومی و حل مشکلات.

ب: احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (روحیهٔ احترام به حقوق دیگران، رعایت مقررات، محافظت از بیت‌المال و...).

ج: احساس تعلق و علایق اجتماعی (تعلق منطقه‌ای، تعلق شهری، تعلق وطنی و ملی، تعلق فرهنگی و...).

د: اعتماد اجتماعی (اعتماد به نهادهای سیاسی، نهادهای اجتماعی، گروه‌های نخستین و...).

۳ـ منزلت نقشی: در مبانی نظری، مفهوم منزلت نقشی به‌عنوان مشخصهٔ نقش فردی و اجتماعی (کارآمدی افراد در ایفای نقش‌های اجتماعی، خانوادگی و فردی) مطرح شد. در پژوهش حاضر، این متغیر از جنبه‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی تشکیل شده است. در این مفهوم، ارزیابی کارکردی فرد در اجرای نقش‌های روزانه به لحاظ فردی، اجتماعی و خانوادگی مورد سنجش قرار می‌گیرد. بر این اساس، آن‌چه در این مفهوم مهم است این است که آیا فرد خودش را به لحاظ فردی، اجتماعی و خانوادگی توانا و مفید ارزیابی می‌کند یا خیر. نکتهٔ قابل توجه اینکه معمولاً محققان برای سنجش منزلت نقشی یا پایگاه فرد در اجتماع از روش اسنادی استفاده می‌کنند. در روش اسنادی منزلت نقشی فرد مورد نظر با ارجاع به دوستان، آشنایان و همکاران وی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما، در پژوهش حاضر، به دلیل

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

برخی مسائل روش‌شناختی و عدم امکان استفاده از روش اسنادی (به دلیل حجم نمونهٔ بالا) از روش ادراکی استفاده شده است. در این روش منزلت نقشی فرد مستقیماً از طریق خود وی و با ارجاع مستقیم به شخص مربوط مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی از شاخص‌های منزلت نقشی عبارت‌اند از: میزان افتخار همسایگان به نقش فرد در محله، میزان افتخار دوستان به دوستی با فرد، میزان موفق تلقی‌شدن فرد در ایفای نقش‌های خانوادگی، میزان موفق بودن فرد در غلبه بر ناتوانی‌های مالی و مشکلات گوناگون زندگی و... .

٤- **رضایت از امکانات منطقه‌ای شامل**: رضایت از عملکرد شهرداری در ایجاد فضای سبز و پارک در منطقه زندگی، رضایت از امکانات تفریحی و رفاهی در منطقهٔ زندگی، رضایت از وضعیت امکانات ورزشی در سطح منطقه، رضایت از دسترسی به امکانات بهداشتی و سلامت و کیفیت آن در منطقه و... .

۵- **برخورداری از حقوق شهروندی**: حقوق شهروندی بخشی از حقوق اساسی شهروند است که در ابعادی چون حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی نمایان می‌شود. این سازه نیز از دو بعد احقاق حقوق (دستیابی و دسترسی به برخی حقوق) و احساس برخورداری از حقوق شهروندی (احساس آرامش ذهنی که در موقعیت‌های خاص امکان دستیابی به حقوق شهروندی وجود دارد) تشکیل شده است.

الف: احقاق حقوق شهروندی (دستیابی به شغل متناسب با تخصص و تمایل، برخورداری از خدمات تأمین اجتماعی و انواع بیمه، دستیابی به مسکن متناسب با نیاز خود و خانواده، برخورد صحیح و انسانی کارمندان دولت در صورت مراجعهٔ فرد به ادارات، میزان دسترسی به امکانات تفریحی و رفاهی (جزیرهٔ بازی، شهربازی و...)، تئاتر و سینما، کتابخانه‌های عمومی و سالن مطالعه، فرهنگسرا و سایر مراکز فرهنگی (موزه، انواع نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و...)، امکانات ورزشی (انواع باشگاه‌ها، زمین‌های بازی و...)، کنسرت‌های موسیقی، مراکز هنری و انواع کلاس‌های هنری، کلاس‌های علمی (زبان،کامپیوتر و...)، امکانات بهداشتی و سلامت (مراکز درمانی، مشاوره سلامت و...)، فضای سبز، پارک و سایر فضاهای طبیعی.

ب: احساس برخورداری از حقوق شهروندی شامل: احساس عدم تبعیض در صورت پارتی‌بازی در کسب فرصت‌ها و امکانات آموزشی، تفریحی، شغلی و...، احساس امنیت

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

اجتماعی، احساس برقراری عدالت، احساس امنیت شغلی (در صورت دارابودن)، احساس آزادی در بروز عقاید و نقد افکار به‌ویژه در محافل رسمی و با حضور مسئولان و... .

٦- استفاده از امکانات فرهنگی، بهداشتی و... شامل: میزان استفاده از امکانات تفریحی و رفاهی (جزیرهٔ بازی، شهربازی و...)، تئاتر و سینما، کتابخانه‌های عمومی و سالن مطالعه، فرهنگسرا و سایر مراکز فرهنگی (موزه، انواع نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و...)، امکانات ورزشی (انواع باشگاه‌ها، زمین‌های بازی و...)، کنسرت‌های موسیقی، مراکز هنری و انواع کلاس‌های هنری، کلاس‌های علمی، امکانات بهداشتی و سلامت (مراکز درمانی، مشاورهٔ سلامت و...) و فضای سبز، پارک و سایر فضاهای طبیعی.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

در بررسی حاضر، از مجموع ۳۹٤ نفر، ۳۲۷ نفر (۸۳ درصد) از پاسخ‌گویان سرپرست مرد و ٦۷ نفر (۱۷درصد) سرپرست زن هستند که ٦/۳ درصدشان مجرد، ۷۹/ ۷ درصد متأهل، ۲/۳ درصد طلاق گرفته و ۱۱/۷ درصد همسر فوت شده هستند. درکل ٦/۰۹ درصد از سرپرستان مورد مطالعه بی‌کار، ٤۸/۷ درصد دارای شغل آزاد، ۲۱/۱ درصد دارای شغل دولتی، ۱۲/۷ درصد بازنشسته و ۹/۹ درصد نیز خانه‌دارند. میانگین درآمد سرپرستان خانوار در شهر اصفهان ۳۵۰ هزار تومان با انحراف استاندارد ۲٦۵ هزارتومان است. به‌طوری‌که کمترین درآمد ثبت‌شده صفر و بیشترین آن ۳ میلیون تومان است.

بر اساس اطلاعات جدول زیر، میانگین احساس شادی در بین سرپرستان خانوار شهر اصفهان ۵٦/۲۳ با انحراف معیار ۱٤/۱۰ است. همچنین میانگین بعد احساسی ۵۹/۳۷، بعد اجتماعی ۵۵/٤۲ و بعد شناختی ۵۳/۸۸ است.

جدول ٤. توصیف احساس شادی و ابعاد آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
بعد شناختی	۳۹٤	۵۳/۸۸	۱٦/۷۵
بعد احساسی	۳۹٤	۵۹/۳۷	۱۷/۸٦
بعد اجتماعی	۳۹٤	۵۵/٤۲	۱۷
احساس شادی	۳۹٤	۵٦/۲۳	۱٤/۱۰

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

میانگین برخورداری سرپرستان از حقوق شهروندی ۵۲/۹۶ با انحراف معیار ۱۳/۳۸ است. به‌طوری‌که میانگین بعد احساسی حقوق شهروندی ۵۳/۵۲ و میانگین بعد احقاقی (دستیابی و دسترسی) آن ۵۲/٤۰ است.

جدول ۵. توصیف حقوق شهروندی و ابعاد آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
احساسی	۳۹٤	۵۳/۵۲	۱۵/۸٤
احقاقی (دستیابی و دسترسی)	۳۹٤	۵۲/٤۰	۱۸/۰۷
حقوق کلی	۳۹٤	۵۲/۹٦	۱۳/۳۸

میانگین سرمایهٔ اجتماعی در بین سرپرستان خانوار شهر اصفهان ٥٦/۸۱ با انحراف معیار ۱۱/۸۰ است. میانگین بعدهای پیوندها و تعاملات اجتماعی ٤۳/۹۷، اعتماد اجتماعی ۵۳/۱۰، احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ۵۸/۲۳ و احساس تعلق ۷۱/۹۲ است.

جدول ٦. توصیف سرمایهٔ اجتماعی و ابعادآن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
تعامل اجتماعی	۳۹٤	٤۳/۹۷	۱۵/۹۱
تعهد اجتماعی	۳۹٤	۵۸/۲۳	۱۸/۹٦
تعلق اجتماعی	۳۹٤	۷۱/۹۲	۱٦/۸٤
اعتماد اجتماعی	۳۹٤	۵۳/۱۰	۱۸/۰۸
سرمایهٔ اجتماعی	۳۹٤	٥٦/۸۱	۱۱/۸۰

بر اساس اطلاعات جدول ۷ بیشترین رضایت سرپرستان خانوار از امکانات منطقهٔ زندگی خود، رضایت از عملکرد شهرداری در ایجاد فضای سبز و پارک‌هاست و کمترین آن مربوط به امکانات ورزشی است. میانگین کل رضایتمندی از امکانات منطقه‌ای سرپرستان خانوار در شهر اصفهان ٤۸/۲۱ با انحراف معیار۱۷/٤۵ است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

جدول ۷. توزیع فراوانی گویه‌های رضایتمندی منطقه‌ای

رضایتمندی		اصلاً	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	جمع	میانگین
رضایت از عملکرد شهرداری در ایجاد فضای سبز و پارک در منطقه زندگی	تعداد	٤٦	٧٦	١١١	١١٧	٣٩	٣٨٩	٣/٠٦
	درصد	١١/٨	١٩/٥	٢٨/٥	٣٠/١	١٠	١٠٠	
رضایت از امکانات تفریحی و رفاهی در منطقه زندگی	تعداد	٦٣	١١٠	١٣٧	٦٧	٩	٣٨٦	٢/٦٠
	درصد	١٦/٣	٢٨/٥	٣٥/٥	١٧/٤	٢/٣	١٠٠	
رضایت از وضعیت امکانات ورزشی در سطح منطقه زندگی	تعداد	٩٥	١٣٥	١٠٥	٤٣	٥	٣٨٣	٢/٢٨
	درصد	٢٤/٨	٣٥/٢	٢٧/٤	١١/٢	١/٣	١٠٠	
رضایت از امکانات بهداشتی و کیفیت آن در منطقه زندگی	تعداد	٢٧	١١٨	١٦١	٦٨	١٢	٣٨٦	٢/٧٩
	درصد	٧	٣٠/٦	٤١/٧	١٧/٦	٣/١	١٠٠	

بر اساس اطلاعات نمودار زیر میانگین کارآمدی کل (احساس منزلت نقشی) در بین سرپرستان ٥٤/١٤ با انحراف معیار ١٧/٦٧ است.

شکل ۱. توزیع پراکندگی منزلت نقشی

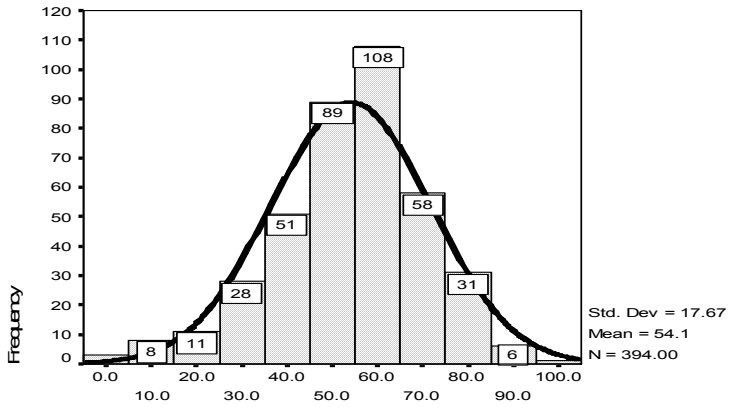

بیشترین میزان استفادهٔ سرپرستان خانوار از امکانات موجود شامل فضای سبز، پارک و سایر فضاهای طبیعی، امکانات بهداشتی و سلامت (مراکز درمانی، مشاوره سلامت و...) و امکانات تفریحی و رفاهی (جزیرهٔ بازی، شهربازی و...) و کمترین میزان استفاده از کنسرت‌های موسیقی، مراکز هنری و انواع کلاس‌های هنری و تئاتر و سینما است. میانگین استفادهٔ سرپرستان از امکانات فرهنگی، بهداشتی و طبیعی ٤١/٤٢ با انحراف استاندارد ١٥/١٥ است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

یافته‌های تحلیلی

شادی افراد مورد مطالعه برحسب جنس آن‌ها متفاوت است و مردان سرپرست خانوار نسبت به زنان سرپرست خانوار شادترند (میانگین ۵۷/۵۹ در برابر۴۹/۵۷).

شادی افراد برحسب وضعیت تأهل آن‌ها متفاوت است. به این معنی که متأهل‌ها شادتر از بقیهٔ گروه‌ها هستند (۵۷/۸۲). بعد از متأهل‌ها، مجردان دارای احساس شادی بیشتری هستند (۵۲/۳۲) و سپس همسر فوت شده‌ها (۴۹/۳۴) و در نهایت مطلقه‌ها (۴۶/۸۱) به ترتیب دارای شادی بیشتری هستند.

شادی سرپرستان خانوار براساس وضعیت شغلی آن‌ها متفاوت است. از این رو، میانگین شادی آن‌ها بر مبنای وضعیت شغلی به ترتیب عبارت‌اند از: سرپرستان دارای شغل‌های دولتی (۶۰/۳۸)، دارای شغل آزاد (۵۶/۷۸)، سرپرستان بازنشسته (۵۴/۱۹)، سرپرستان خانه‌دار که عمدتاً جامعهٔ آماری زنان را تشکیل می‌دهند (۴۹/۴۹) و سرپرستان خانوار بیکار (۴۸/۶۵).

بین درآمد و احساس شادی همبستگی مثبت وجود دارد (۰/۱۶۷=آر و۰/۰۰۲=پی).

آزمون فرضیات

هرچه شخص احساس کند منزلت نقشی (کارآمدی اجتماعی، خانوادگی و فردی) او بالاتر است، احساس شادی او افزایش می‌یابد. بر اساس جدول ۸ بین کارآمدی اجتماعی، خانوادگی و فردی (احساس منزلت نقشی بالا) و میزان شادی رابطهٔ مستقیم وجود دارد (۰/۵۷۲=آر و۰/۰۰۰= پی)، به‌طوری‌که این رابطه در بعد شناختی (رضایت از زندگی) قوی‌تر از سایر ابعاد است (۰/۵۳۴).

هرچه میزان رضایت از امکانات منطقه‌ای بیشتر باشد احساس شادی نیز بیشتر است. منطبق با جدول ۸ شاخص رضایت از امکانات فرهنگی، بهداشتی و محیطی در منطقهٔ زندگی با شادمانی سرپرستان خانوار ارتباط مثبت دارد (۰/۱۹۳=آر و۰/۰۰۰=پی) و این ارتباط با بعد شناختی شادی قوی‌تر از سایر ابعاد است (۰/۲۲۱).

هرچه میزان سرمایهٔ اجتماعی شهروندان افزایش یابد، احساس شادی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. بر اساس اطلاعات جدول ۸، بین شادی و سرمایهٔ اجتماعی رابطهٔ مستقیم وجود دارد (۰/۴۱۷=آر و۰/۰۰۰=پی) و این بدین معنی است که هرچه بر سرمایهٔ اجتماعی سرپرستان

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

خانوار افزوده شود، شادی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و این ارتباط با ابعاد احساسی (۰/۳۷۷) و شناختی (۰/۳۵۸) شادمانی قوی‌تر است.

هرچه میزان برخورداری واقعی (احقاق) و همچنین احساس برخورداری سرپرستان خانوار از حقوق شهروندی بیشتر باشد، احساس شادی آنان نیز بیشتر می‌شود. در جدول ۸ بین برخورداری سرپرستان خانوار از حقوق شهروندی و میزان شادی آن‌ها رابطهٔ مستقیم وجود دارد (۰/۳۹۸=پی و ۰/۰۰۰=آر). به‌طوری‌که رابطهٔ حقوق شهروندی با بعد شناختی شادی قوی‌تر از سایر ابعاد است (۰/٤٥٩).

هرچه سرپرستان خانوار به میزان بیشتری از امکانات فرهنگی، بهداشتی و طبیعی استفاده می‌کنند، بر میزان شادی آنان افزوده می‌شود. بر اساس جدول ۸، همبستگی بین میزان استفاده از امکانات و سطح شادی سرپرستان مثبت است (۰/۳۰۱=آر و ۰/۰۰۰=پی) و در این باب، همبستگی بین میزان استفاده از امکانات و بعد شناختی شادی قوی‌تر از سایر ابعاد شادی است (۰/۳۲۱).

جدول ۸ همبستگی احساس شادی و انواع متغیرهای مستقل

متغیر		وابسته			
		بعد احساسی	بعد شناختی	بعد اجتماعی	احسای شادی
مستقل	منزلت نقشی	۰/٤٤٥ ۰/۰۰۰	۰/٥۳٤ ۰/۰۰۰	۰/٤۱۸ ۰/۰۰۰	۰/٥۷۲ ۰/۰۰۰
	رضایت از امکانات و خدمات منطقه‌ای	۰/۱۳۹ ۰/۰۰۳	۰/۲۲۱ ۰/۰۰۰	۰/۰۹۲ ۰/۰۰۰	۰/۱۹۳ ۰/۰۰۰
	سرمایه اجتماعی	۰/۳۷۷ ۰/۰۰۰	۰/۳٥۸ ۰/۰۰۰	۰/۲۷۳ ۰/۰۰۰	۰/٤۱۷ ۰/۰۰۰
	حقوق شهروندی	۰/۲۸۸ ۰/۰۰۰	۰/٤٥۹ ۰/۰۰۰	۰/۱۸٥ ۰/۰۰۰	۰/۳۹۸ ۰/۰۰۰
	استفاده از امکانات	۰/۲۳۳ ۰/۰۰۰	۰/۳۲۱ ۰/۰۰۰	۰/۱٥٦ ۰/۰۰۰	۰/۳۰۱ ۰/۰۰۰

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

نتایج مربوط به تبیین شادی بر اساس مجموعهٔ متغیرها

به منظور تبیین تأثیر مجموعهٔ متغیرها بر احساس شادی از رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام[1] استفاده شده است.

جدول ۹. نتایج ضریب تعیین شادی سرپرستان براساس رگرسیون گام به گام

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه برآورد معیار
۱	۰/۵۶۷	۰/۳۲۲	۰/۳۲۰	۱۱/۶۳
۲	۰/۶۳۵	۰/۴۰۳	۰/۴۰۰	۱۰/۹۲
۳	۰/۶۷۱	۰/۴۵۰	۰/۴۴۴	۱۰/۵۱

مدل۱ـ متغیر مستقل: کارآمدی (احساس منزلت نقشی بالا)

مدل۲ـ متغیر مستقل: کارآمدی، برخورداری از حقوق شهروندی

مدل۳ـ متغیر مستقل: کارآمدی، برخورداری از حقوق شهروندی، سرمایهٔ اجتماعی

متغیر وابسته: شادی

بر اساس جدول ۹ سه متغیر مستقل مهم در شکل رگرسیونی باقی ماندند. به‌طوری‌که ضریب تعیین آن برابر ۴۵ درصد و ضریب تعیین خالص آن برابر ۴۴ درصد است.

جدول ۱۰. ضرایب متغیرهای مستقل در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

متغیر	ضرایب خام		ضرایب استاندارد	تی	معناداری
	بی	انحراف استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۱۵/۲۶	۲/۶۰	–	۵/۸۶	۰/۰۰۰
کارآمدی (احساس منزلت نقشی بالا)	۰/۳۴۵	۰/۰۳۲	۰/۴۳۲	۱۰/۶۶	۰/۰۰۰
برخورداری حقوق شهروندی	۰/۲۶۱	۰/۰۴۲	۰/۲۴۸	۶/۱۸	۰/۰۰۰
سرمایهٔ اجتماعی	۰/۱۰۲	۰/۰۲۸	۰/۱۴۹	۳/۶۶	۰/۰۰۰

[1] Stepwise

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

در مجموع، طبق اطلاعات جدول ۱۰ و با توجه به بتای استاندارد شده، اثر کارآمدی بر شادی برابر ٤٣/.، اثر برخورداری از حقوق شهروندی ۲۵ /. و اثر سرمایهٔ اجتماعی ۱۵/. است. بنابراین، کارآمدی نقشی بالاترین اثر مستقیم و سرمایهٔ اجتماعی کمترین اثر مستقیم را در بین متغیرهای مستقل معنی‌دار دارد. از طرف دیگر، بر اساس مدل مسیر، به نظر می‌رسد از یک‌سو حقوق شهروندی و سرمایهٔ اجتماعی، علاوه بر تأثیر مستقیم، از طریق ایجاد کارآمدی بیشتر به‌طور غیرمستقیم نیز بر شادی مؤثرند و از سوی دیگر، حقوق شهروندی علاوه بر تأثیر برکارآمدی، از یک مسیر دیگر به‌طور غیرمستقیم، یعنی تأثیر بر سرمایهٔ اجتماعی، بر شادی سرپرستان اثرگذار است. مدل کلی پژوهش حاضر (تأثیر عوامل مؤثر و ضرایب آن‌ها) به صورت زیر است:

شکل ۲. مدل نهایی پژوهش بر اساس ضرایب رگرسیون چندمتغیرهٔ گام به گام

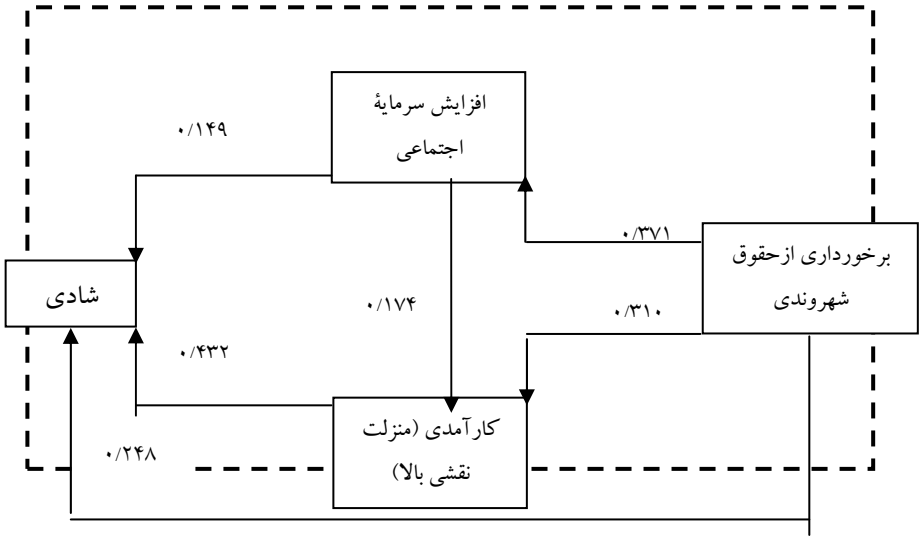

بر اساس مدل فوق و جدول ۱۱ برخورداری شهروندان از حقوق شهروندی دارای بیشترین اثر و سرمایهٔ اجتماعی دارای کمترین اثر بر شادی سرپرستان خانوار شهر اصفهان است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

جدول ۱۱. میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر احساس شادی

متغیر	ضرایب تأثیر		اثر کل
	مستقیم	غیرمستقیم	
برخورداری ازحقوق شهروندی	۰/۲٤۸	۰/۲۱۷	۰/٤٦٥
کارآمدی (احساس منزلت نقشی بالا)	۰/٤۳۲	–	۰/٤۳۲
سرمایهٔ اجتماعی	۰/۱٤۹	۰/۰۷٥	۰/۲۲٤

نتیجه‌گیری

واژهٔ شادمانی به لحاظ مفهومی از مناظر متعددی تعریف و تشریح شده؛ به‌طوری‌که از یک‌سو، سخن از شادی مستقیم و بی‌واسطه می‌رود و ظهور احساسات و عواطف خوشایند هر چند در یک لحظهٔ خاص و به صورت گذرا همانند لذت و خوشی شادمانی تصور می‌شود و از سوی دیگر احساس شادی، پیچیده‌تر و پدیده‌ای عقلانی و منطقی (در مقابل عاطفی) فرض می‌شود که در آن قضاوت‌ها و ارزشیابی‌های انسان‌ها از موقعیت‌های متعدد مؤثر واقع می‌شود و برآیند مثبت از قضاوت‌ها و ارزشیابی‌های منطقی (که همان رضایت درونی از کلیت زندگی است) شادی نام می‌گیرد و در نهایت، تعاریف نوع سومی که به‌نوعی درصدد تلفیق تعاریف دو دستهٔ قبل برآمده و با رویکردی التقاطی تلاش می‌کند تا عناصر مفید و مثبت هر دو تعریف را در حوزهٔ شادمانی مورد استفاده قرار دهد؛ به‌طوری‌که، علاوه بر رضایت درونی از کلیت زندگی بر اساس قضاوت‌ها و ارزشیابی‌های منطقی، بر ظهور عواطف و احساسات مثبت و فقدان عواطف و احساسات منفی نیز تأکید می‌کنند. بنابراین، در مقولهٔ شادی، فرد از یک‌سو زندگی خود را مورد قضاوت قرار می‌دهد و بر اساس آن رضایتمندی یا عدم رضایتمندی به او دست می‌دهد (بعد شناختی) و از سوی دیگر، بر اساس نتیجهٔ قضاوت خود، احساس مثبت یا منفی به او دست می‌دهد (بعد احساسی یا هیجانی) و در نهایت، رفتار و گفتار متناسب با قضاوت و احساس خود در اجتماع بروز می‌دهد (بعد اجتماعی).

از طرفی، تعدد مناظر در مطالعات نظری شادمانی منجر به رویکردهای عمده‌ای شده که از آن جمله، رویکردهای فیزیولوژیکی روان‌شناختی (ژنتیکی و شخصیتی)، روان‌شناسی اجتماعی (فرآیندهای شناختی)، فرهنگی (بافت‌ها و قالب‌های فرهنگی و به‌طورکلی سرمایهٔ فرهنگی) و جامعه‌شناختی (بافت اجتماعی خرد و کلان یا به عبارت دیگر سرمایهٔ اجتماعی و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

احقاق حقوق شهروندی) را می‌توان نام برد که در چارچوب نظری مقاله و متناسب با موضوع موردمطالعه، رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرار گرفتند.

در رویکرد روان‌شناختی اجتماعی، بیشتر بر این نکته تأکید می‌شود که شادی تولید تفکر انسان و بازتاب ادراک و آگاهی از تمایز بین واقعیت‌های زندگی و ایده‌آل‌های فرهنگی ـ اجتماعی است. به‌طوری‌که در این میان، شخص ممکن است وضعیت خود را با گذشتهٔ خود و دیگران هم‌درجه (در سابق) نیز مقایسه کند وچنان‌چه وضعیت او بهتر از دیگران وگذشتهٔ خود باشد و به ایده‌آل خود نیز رسیده باشد (یا نزدیک باشد) احساس رضایت و شادی می‌کند. این مقوله چیزی است که در نظریات انطباق، که نوعی نظریهٔ شناختی است، نیز دیده می‌شود. نظریهٔ دیگر در این حیطه، نظریهٔ ویژگی پایگاهی است که به جایگاه و منزلت فرد در اجتماع محل زندگی، برحسب کارآمدی و ویژگی‌های روان‌شناختی دیگر فرد مورد مطالعه، اشاره دارد. به‌طوری‌که این مفهوم در جامعهٔ آماری مورد ارزیابی قرارگرفته است. بر مبنای نظریهٔ راتر، رویکرد کلی در این نظریه به آن معناست که افراد انسانی خود را حاکم بر سرنوشت خویش می‌دانند و معتقدند که رویدادهای مثبت زندگی، از جمله شادی، در نتیجهٔ طرح‌ریزی وکوشش پیگیر خود آن‌ها به‌دست می‌آید. این افراد خودتنظیمی و مهارت سازگاری مثبت بیشتری دارند، از عزت نفس و صلاحیت عینی بیشتری برخوردارند و در نتیجه در انجام وظایف و نقش‌های اجتماعی، خانوادگی و فردی کارآمدترند. نظریهٔ ویژگی پایگاهی با ارائهٔ مفهومی چون منزلت نقشی به نوعی بحث کنترل درونی را نیز در برمی‌گیرد و اندیشمندان آن، از جمله هیتر، معتقدند که هر ویژگی (مثلاً کنترل درونی، ثبات هیجانی و...) که افراد را در گروه‌های مبتنی بر انجام وظیفه (نقش) از یکدیگر متمایز کند، می‌تواند به‌عنوان عاملی در تفکیک پایگاه و منزلت نقشی افراد عمل کند. این دیدگاه می‌افزایدکه مبتنی بر میزان شایستگی فرد و کارآمدی او، سلسله‌مراتب پایگاه گروهی (منزلت نقشی) شکل می‌گیرد. بر اساس این نظریه، هرچه افراد در منزلت نقشی بالاتری قرار بگیرند (کارآمدی بیشتری به لحاظ اجتماعی، خانوادگی و فردی مبتنی بر توانایی‌های خود) احساسات مثبت چون شادکامی را بیشتر تجربه می‌کنند و بالعکس.

در رویکرد اجتماعی (جامعه‌شناختی) نیز اعتقاد کلی بر آن است که شادی امری است که در بستر اجتماع حاصل می‌شود و در همان بستر نیز از بین می‌رود. به عبارت دیگر، شادی و هر

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

هیجان دیگر، را بایستی در ساختارها و روابط خرد و کلان اجتماعی ـ سیاسی جستجو کرد. در این رویکرد، که ماکس هالر و مارکز هادلر بر آن تأکید می‌کنند، سه حوزهٔ متمایز از همدیگر را از هم باز می‌شناسند که به‌طور مشخص در چارچوب نظری به آن‌ها پرداخته شده است.

در بخش تجربی نوشتار حاضر نیز، همان‌گونه که اشاره شد، علاوه بر رابطهٔ برخی متغیرهای زمینه‌ای (جنس، وضعیت تأهل، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت سلامت روحی و جسمی و...) با احساس شادمانی، کلیهٔ متغیرهای اصلی پژوهش (در قالب فرضیات) با احساس شادمانی سرپرستان خانوارها در شهر اصفهان همبستگی دارند که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

میانگین احساس شادی در بین سرپرستان خانوار شهر اصفهان در دامنهٔ صفر تا صد ۵۶/۲۳ با انحراف استاندارد ۱۴/۱۰ است. میانگین بعد احساس شادی ۵۹/۳۷ با انحراف استاندارد ۱۷/۸۶ است و همچنین میانگین بعد شناختی ۵۳/۸۸ با انحراف استاندارد ۱۶/۷۵ است که در مقایسه با ابعاد دوگانهٔ دیگر، رتبهٔ سوم را به خود اختصاص داده است. میانگین بعد اجتماعی شادی ۵۵/۴۲ با انحراف استاندارد ۱۷ است که رتبهٔ دوم را به خود اختصاص داده است. دقت در انحراف استاندارد ابعاد متعدد شادی نشان می‌دهد که بیشترین نابرابری شادی در بعد احساسی، سپس بعد اجتماعی و در نهایت بعد شناختی است.

رابطهٔ سرمایهٔ اجتماعی با احساس شادی مستقیم است و این رابطه در ابعاد احساسی و شناختی بیشتر به چشم می‌خورد. ارتباط مستقیم سرمایهٔ اجتماعی، ابعاد و مؤلفه‌های آن‌ها با شادی مقوله‌ای است که مورد توجه اندیشمندانی چون هالر و هادلر، هیلز و آرگایل، گلاتزروزف، وستون، وینهوون، آیزنک، لوپری و فرایدرس، کونو و ارلی، گلن و ویور، راس و میروسکی، بولگر و اکنرود، برادبورن، فروم و هیوم، دورکیم، پولنر، مایزر، پاتنام، هایی، کالدور و برواح و... نیز بوده و نتیجهٔ پژوهش حاضر با پژوهش‌های آنان در زمینهٔ ابعاد و مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی همخوانی و مشابهت دارد.

رابطه برخورداری از حقوق شهروندی و شادی مستقیم است. به‌طوری‌که در این رابطه، برخورداری از حقوق شهروندی ابتدا با بعد شناختی و سپس با بعد احساسی و در نهایت با بعد اجتماعی شادی قوی‌تراست. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های اندیشمندانی چون هالر و هادلر،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

وینهوون و کالمیجن، داینر و لوکاس، تکاچ و لیوبومیراسکی، سن، زیمل، وینهوون، هال و جونز، کنت، مارتین، مزلو، گراهام و فلتن، کلارک و... نیز هم‌خوانی دارد.

رابطهٔ میزان استفاده از امکانات موجود با شادی مستقیم است و این متغیر ابتدا با بعد احساسی، سپس شناختی و در نهایت با بعد اجتماعی شادی رابطهٔ قوی‌تری دارد.

هرچه رضایت از امکانات فرهنگی، بهداشتی و محیطی در منطقهٔ زندگی بیشتر باشد، شادی افراد نیز بیشتر است. به‌طوری‌که این ارتباط ابتدا با بعد شناختی، سپس با بعد احساسی و در نهایت با بعد اجتماعی شادی دارای ارتباط قوی‌تری است.کلارک، توماس، هاگرتی و اسوالد نیز به نوعی بر تأثیر امکانات منطقهٔ زندگی بر شادی تأکید می‌کنند و معتقدند که نابرابری در امکانات منطقه‌ای عاملی در جهت کاهش شادی افراد است.

بیشترین کارآمدی مربوط به احساس کارآمدی خانوادگی و سپس کارآمدی فردی و در نهایت کارآمدی اجتماعی است. هرچه شخص کارآمدی بیشتری داشته باشد، یا به عبارت دیگر، احساس منزلت نقشی بیشتری بکند، شادی او نیز افزایش می‌یابد. به‌طوری‌که این افزایش ابتدا در بعد شناختی و سپس در بعد احساسی و در نهایت در بعد اجتماعی قوی‌تر است و این نتیجه با نتایج تحقیقات راتر و هیتر هم‌خوانی دارد.

در نهایت،کلیهٔ متغیرهای اثرگذار و معنی‌دار بر شادی (به‌جز متغیرهای جمعیت‌شناختی) وارد رگرسیون گام به گام شدند. به‌طوری‌که در مدل رگرسیون و در ضرایب بتای استاندارد، ترتیب میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به شرح زیر است: برخورداری از حقوق شهروندی (احساسی و احقاقی)، منزلت نقشی یا کارآمدی اجتماعی، خانوادگی و فردی و سرمایهٔ اجتماعی (پیوندها و تعاملات اجتماعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احساس تعلق و علایق اجتماعی و اعتماد اجتماعی).

منابع

آل یاسین، میترا (۱۳۸۰) «شادی و نشاط در محیط مدرسه»، *تربیت*، شمارهٔ۱: ۱-۱٤.

آرگایل، مایکل (۱۳۸۳) *روان‌شناسی شادی*، ترجمهٔ فاطمه بهرامی و دیگران، اصفهان: جهاد دانشگاهی اصفهان.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

آیزنک، مایکل دبلیو (۱۳۷۵) *روان‌شناسی شادی*، ترجمهٔ مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵) بررسی شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان، پایان‌نامهٔ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

جعفری، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۳) بررسی میزان شادمانی و عوامل همبستهٔ آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان، گزارش نهایی طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان.

خداپناهی، محمدکریم (۱۳۷۹) *انگیزش و هیجان*، تهران: سمت و دانشگاه تهران.

ربانی، رسول، علی ربانی و محمدگنجی (۱۳۸٦) «فرهنگ و شادی»، *فصلنامهٔ مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال سوم، شمارهٔ ۸: ٤۱-۷۸.

ریو، جان مارشال (۱۳۷۸) *انگیزش و هیجان*، ترجمهٔ یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: دانشگاه تهران.

طاهریان، م (۱۳۸۱) «چرا شادی از جامعهٔ ما رخت بربسته است»، *روزنامهٔ اعتماد* ۸۱/۱۰/۲۱: ٤.

عابدی، محمدرضا (۱۳۸٤) *شادی در خانواده*، تهران: مطالعات خانواده.

عابدی، محمدرضا (۱۳۸۱) بررسی و مقایسهٔ اثربخشی روش‌های مشاورهٔ شغلی به سبک نظریهٔ یادگیری اجتماعی، سازگاری شغلی و مدل شناختی رفتاری فردایس برکاهش افسردگی شغلی مشاوران آ.پ. شهر اصفهان، پایان‌نامهٔ دکتری مشاوره، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

عمید، حسن (۱۳٦۹) *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر.

فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۸۲) تأثیرسرمایهٔ اجتماعی بر هویت اجتماعی دانشجویان در تهران، پایان‌نامهٔ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات،گروه علوم اجتماعی.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) *پایان نظم*، ترجمهٔ غلامعباس توسلی، تهران: اطلس.

کشاورز، امید (۱۳۸٤) بررسی رابطهٔ بین شادکامی با سرزندگی، جزمیت، انعطاف‌پذیری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در مردم شهر اصفهان، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

کیانپور، مسعود (۱۳۸۵) بررسی رابطهٔ کیفیت زندگی و احساسات اجتماعی در شهر اصفهان، پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، بخش اسناد دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی.

مرادی، داریوش (۱۳۸۵) به‌کارگیری سیستم گزارش‌دهی کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه تهران.

مرادی، مریم (۱۳۸٤) «شادمانی و شخصیت»، *تازه‌های علوم شناختی*، سال۷، شمارهٔ ۲: ٦۰-۷۲.

هاشمیان‌فر، جمشید (۱۳۸٦) بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی با تأکید بر سرمایهٔ اجتماعی، پایان‌نامهٔ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

Bergsma. A. (2006) "Book Reviews: Parents and Teacher as the Founder of Happiness", *Journal of Happiness Studies*, 7: 113-128.

Chan.Y. K. and P. L. Lee (2006) "Network Size, Social Support and Happiness in Later Life", *Journal of Happiness Studies*,7: 87-112.

Diener, E. D. and R. Lucas (2000) "Explanation Differences in Social Levels of Happiness", *Journal of Happiness Studies*, 1: 41-78.

Diener. E. and E. M. Suh (1997) "Measuring Quality of Economic Life", *Social Indicators Research*, 40: 189-216.

Eur. Nl. Rank Report (2006) Human Development Reports, (WDH): World Database of Happiness.

Glatzer, W. (2000) "Happiness: Classic Theory in the Light of Current Research", *Journal of Happiness Studies*, 1: 501-511.

Graham, C. and A. Felton (2006) "Inequality and Happiness: Insights from Latin America", *Journal of Economic Inequality*, 4: 107-122.

Lu. L. (2001)" Understanding Happiness: A look into the Chinese Folk Psychology", *Journal of Happiness Studies*, 2: 407-432.

Haller, H. & M. Hadler (2006) "How Social Relations and Structures Can Produce Happiness and Unhappiness", *Social Indicators Research*,75: 169-216.

Mayers, D. (2000) "The Friends and Faith of Happy People", *American Psychologist*, 55: 56-57.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

Schyns, P. (1998) "Cross National Differences in Happiness", *Social Indicators Research*, 43:3-26.
Tkach, C. & S. Lyubomirsky (2006) "How Do People Pursue Happiness", *Journal of Happiness Studies*, 7: 183-225.
Veenhoven, R. and W. Kalmijn (2005) "Inequality Adjusted Happiness in Nation", *Journal of Happiness Studies*, 6: 421-455.
Veenhoven, R. (2006) "Newdirection in the Study of Happiness", http://*www.veenhoven.fsw.eur.nl*.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1390.2.1.2.8] [Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-23]